

تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیک) و توصیه‌هایی برای ایران

دکتر حسین مختاری هشی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۴

چکیده

ژئوپلیتیک شامل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت است. اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به‌طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل‌دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید. بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومی به عنوان بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد که در زیر مجموعه جغرافیای سیاسی قرار دارد. اگرچه از قدیم استفاده از ابزارهای اقتصادی در سیاست وجود داشته ولی پس از جنگ سرد و جهانی شدن که رویکردهای اقتصادی مورد توجه بیشتر قرار گرفتند، بحث ژئواکونومی نیز روزبه‌روز در سیاست‌های داخلی و خارجی و به عنوان یک روش نوین کشورداری مطرح شد. با وجود اینکه از نظر نسبت، ژئواکونومی شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است، ولی تفاوت‌هایی با آن دارد و بازیگران متعددی در آن درگیر می‌شوند که بر پیچیدگی این رویکرد می‌افزاید. ابزارهای مورد استفاده در ژئواکونومی نیز علاوه بر تعدد و تنوع زیاد، عمدتاً از نوع ابزارهای قدرت نرم بوده بر پیچیدگی نظام بین‌الملل می‌افزایند. در سیاست داخلی و امور کشورداری نیز توجه به این رویکرد موجب تقویت زیربنایها و زیرساخت‌های قدرت ملی شده و به افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک می‌کند که این امر موجب تغییر رفتار و جایگاه کشور در نظام ژئوپلیتیک در راستای تحصیل منافع ملی می‌شود. در خصوص ایران به نظر می‌رسد تحلیل مسائل کشور از دیدگاه ژئواکونومیک می‌تواند موجب باز شدن زاویه جدید و واقع‌بینانه‌ای به فهم مسائل شده و راهکارها و راهبردهای تجویزی را بیش از پیش دقیق‌تر و مفیدتر می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: ژئواکونومی، ژئوپلیتیک، ایران.

۱- مقدمه

در سالهای اخیر مطالب جسته گریخته‌ای در مورد ژئواکونومی مطرح می‌شود که غالباً از انسجام و جامعیت لازم برخوردار نبوده و به تبیین دقیق این مفهوم منجر نشده است. با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر در سطح بین‌المللی گرایش فراوانی به این رویکرد بوده و رفتار اغلب بازیگران چه در سطوح داخلی و چه بین‌المللی بر این مبنا شکل می‌گیرد، لازم است این مفهوم در کشور به صورت منسجم تبیین و تشریح گردد تا بتواند بیش از پیش و به درستی در عرصه‌های علمی و اجرایی مورد استفاده قرار گیرد. لذا هدف نوشتار حاضر تبیین و تشریح این مفهوم بوده و تا حد امکان به سازماندهی و منسجم کردن مطالب موجود در این حوزه پرداخته است. ژئواکونومی یکی از جنبه‌های ژئوپلیتیک است که بر اقتصاد به عنوان ابزار رقابت تأکید می‌کند. در ژئواکونومی جنبه‌هایی از اقتصاد مورد توجه قرار می‌گیرند که عمدتاً با جغرافیا پیوند دارند. همچنان‌که بعد فرهنگی ژئوپلیتیک، ژئوکالچر نامیده می‌شود، و وقتی آب تبدیل به موضوع ژئوپلیتیکی می‌شود، از آن به هیدروپلیتیک یاد می‌شود، بعد اقتصادی ژئوپلیتیک نیز ژئواکونومی است. در حقیقت ژئواکونومی را می‌توان ژئوپلیتیکی شدن اقتصاد یا اقتصاد ژئوپلیتیکی نیز در نظر گرفت. بنابراین با این توضیح کوتاه، جایگاه بحث ژئواکونومی در ذیل مباحث ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد، یعنی وقتی اقتصاد از دیدگاه ژئوپلیتیکی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، ژئواکونومی مطرح می‌شود. ژئواکونومی معمولاً از دو جنبه مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱- به عنوان رابطه بین سیاست‌های اقتصادی و تغییرات در قدرت ملی و ژئوپلیتیک (به عبارت دیگر، پیامدهای ژئوپلیتیک پدیده‌های اقتصادی)؛ ۲- به عنوان پیامدهای اقتصادی روندهای ژئوپلیتیک و قدرت ملی. در جنبه اول یعنی سیاست‌های داخلی یک کشور چگونه می‌تواند موجب تغییر قدرت در آن کشور شود، مانند چین. یعنی پیامدهای ژئوپلیتیکی پدیده‌های اقتصادی، مثلاً اقتصاد یک کشوری قوی می‌شود، وزن ژئوپلیتیکی آن کشور بالا می‌رود و حرف زدن و رفتار در نظام بین‌الملل هم فرق می‌کند. در جنبه دوم یعنی روندهای ژئوپلیتیک چه پیامدهای اقتصادی به دنبال دارند. در پژوهش حاضر سعی شده است به هر دو جنبه مطرح شده پرداخته شود.

۲- روش تحقیق

ماهیت پژوهش حاضر از نوع نظری بوده و روش تحقیق مورد استفاده توصیفی تحلیلی است و گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای است که از منابع چاپی و اینترنتی بهره گرفته شده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- تعریف ژئواکونومی

اصطلاح ژئواکونومی با وجود کاربرد زیاد، هنوز تعریف دقیق و مشخصی ندارد (Cowen and Smith, 2009). برخی ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌دانند (Martiningui, 2011: 14 and Youngs). برخی دیگر تعریف موسع دارند و آن را درهم تنیدگی اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی می‌دانند (Thirlwell, 2010). برخی دیگر بر تجارت و حمایت از صنایع داخلی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های ژئوپلیتیکی تأکید دارند (Lorot, 2001). گروهی نیز استفاده از این واژه را برای بررسی سنتی تجارت بین‌الملل و تحریم‌ها محدود می‌کنند (Bremmer, 2010). در نهایت عده‌ای نیز این واژه را تقریباً برای تمام فعالیت‌های اقتصادی داخلی و خارجی به کار می‌برند و قدرت طرح‌ریزی یک کشور را با قدرت یا ضعف اقتصادی داخلی آن مرتبط می‌دانند. کشوری که برای مدت طولانی از تقویت قدرت اقتصادی خود غفلت کند، از نظر ژئوپلیتیکی نمی‌تواند نقش مهمی ایفا کند (Blackwill and Harris, 2016: 20). ملاحظه می‌شود که تعاریف متفاوت است و خلاصه آنها را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی است.
- ژئواکونومی، به کار بردن ابزارهای اقتصادی برای کشورداری است.
- ژئواکونومی یک روش تحلیل و یک شکلی از کشورداری است و ابعاد گسترده‌ای دارد (Soilen, 2010).

- ژئواکونومی ادامه منطق ژئوپلیتیک و ترکیبی از آن منطق با ابزارهای اقتصادی در عصر جهانی شدن است.
 - ژئواکونومی، چگونگی اقدام یک دولت برای ایجاد و اعمال قدرت با استفاده از عوامل اقتصادی، نه عوامل صرفاً جغرافیایی است.
 - ژئواکونومی مطالعه جنبه‌های فضایی، فرهنگی و استراتژیک منابع با هدف به دست آوردن یک مزیت رقابتی پایدار است. مزیت رقابتی یعنی اینکه ما چه چیزی می‌توانیم تولید بکنیم که هیچ‌کس به اندازه ما در آن تخصص ندارد و نه کیفیتش از ما بهتر می‌شود و نه قیمتش از ما پایین‌تر می‌شود. امروزه هر کشوری که کالایی تولید می‌کند (منظور تولید غالب است که با آن شناخته می‌شود) اگر مزیت رقابتی نداشته باشد، یا گران تمام می‌شود یا با کیفیت پایین بوده و به مردم تحمیل می‌شود که این کار منطق اقتصادی ندارد.
- به نظر می‌رسد یک تعریف سه بخشی از ژئواکونومی می‌تواند تا حدود زیادی جامعیت داشته باشد: "ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی؛ و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است." اولین بخش، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشینه کردن و دفاع از منافع ملی؛ دومین بخش؛ فهم اینکه چگونه (حداقل از نظر تئوریک) قدرت اقتصادی داخلی می‌تواند موجب ارتقای تصویر قدرت یک کشور در نظام بین‌الملل شود؛ و سومین بخش؛ تأثیر اقدامات اقتصادی دیگر ملت‌ها و کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور (Blackwill and Harris, 2016: 20).

۲-۳- نسبت ژئواکونومی با ژئوپلیتیک، اقتصاد و جغرافیای اقتصادی

به منظور روشن‌تر شدن نسبت ژئواکونومی با ژئوپلیتیک ابتدا لازم است دیدگاههایی که نسبت به ژئوپلیتیک وجود دارد مطرح شود، چرا که متناسب با تفاوت دیدگاهها به ژئوپلیتیک نسبت آن با ژئواکونومی نیز دچار تفاوت‌های اساسی می‌شود و ارتباط این دو مفهوم را نیز در طیفی از تفاوت مطلق تا همپوشانی و اشتراک قرار می‌دهد. مطابق نظر حافظ‌نیا (۱۳۹۵) سه دیدگاه نسبت به ژئوپلیتیک وجود دارد که عبارتند از: ۱- دیدگاه عامیانه، که یک تصور ناشیانه و ناآگاهانه‌ای است

که عمدتاً توسط اصحاب رسانه، سیاستمداران و امثال آنها مطرح می‌شود که معمولاً ژئوپلیتیک را با نظامی‌گری برابر می‌دانند. ۲- دیدگاه اصحاب اتاق فکرها (تینگ تنک‌ها)، این دیدگاه که غالباً در وزارت خارجه‌ها مطرح است، ژئوپلیتیک را بُعد کاربردی جغرافیای سیاسی می‌داند و دلمشغولی‌شان این است که چطور می‌توان از دانش فضائی و علم جغرافیای سیاسی برای سلطه استفاده کرد. نگاه اینها به ژئوپلیتیک نگاهی امپریالیستی و سلطه بر دیگران، کنترل و تسلط بر فضای دیگران است، چیزی که در طول تاریخ به شکل جهان‌گشایی‌ها و کشورگشایی‌ها مطرح بوده است. امروز هم این گروه در وزارت خارجه‌ها دغدغه و کارشان این است که چگونه می‌توان بر دیگران مسلط شد؟ چگونه می‌توان وارد فضای جغرافیایی دیگران شد؟ و این را هم ژئوپلیتیک می‌دانند. ۳- دیدگاه سوم، ژئوپلیتیک را نظام علمی و آکادمیک زیرمجموعه جغرافیای سیاسی می‌داند. در این دیدگاه جغرافیای سیاسی بُعد سیاسی فضای جغرافیایی را مطالعه می‌کند، فضا و مکان بنیان فلسفی علم جغرافیاست، فضای جغرافیایی ابعاد مختلفی دارد، بُعد سیاسی‌اش را جغرافیای سیاسی مطالعه می‌کند، بُعد سکونتگاهی‌اش را جغرافیای سکونتگاهی و شهری و روستایی؛ بُعد اقتصادی‌اش را جغرافیای اقتصادی؛ بُعد اقلیم و آب و هوا را اقلیم‌شناسی و... به‌طور کلی هر بُعدی از فضای جغرافیایی را یک شاخه‌ای از جغرافیا مطالعه می‌کند. بنابراین بُعد سیاسی و ترکیبات سیاست و فضا و تجلی‌های ترکیبی سیاست و فضا را جغرافیای سیاسی مطالعه می‌کند، هنگامی که این تجلی‌های ترکیبی جغرافیا و سیاست با قدرت پیوند می‌خورد، یا اثربخشی قدرت دارد، یا کاربری در قدرت دارد، یا ابزاری است در دست قدرتمندان، در آن صورت قدرت بخشی از مباحث جغرافیای سیاسی را درگیر می‌کند و آن بخش از مباحث جغرافیای سیاسی که با قدرت درگیر می‌شوند موضوع ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که به این ترتیب ملاحظه می‌شود که ژئوپلیتیک بخشی از جغرافیای سیاسی است (Hafeznia, 2017).

با توضیح فوق روشن است که منظور از نسبت ژئواکونومی با ژئوپلیتیک، دیدگاه سوم نسبت به ژئوپلیتیک است که در این چارچوب ژئواکونومی به‌عنوان شاخه‌ای از ژئوپلیتیک مطرح می‌شود و به عبارتی بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک است. بنابراین سه عنصر ژئوپلیتیک که جغرافیا، سیاست و قدرت را شامل می‌شود که در فضای جغرافیایی ارزش‌های مختلفی مطرح می‌باشد که یکی از

آنها ارزش اقتصاد است. قدرت نیز دارای ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی است که یکی از آنها اقتصاد است. پس ژئوپلیتیک در دو عنصر از سه عنصر خود یعنی جغرافیا و یا قدرت با اقتصاد پیوند می‌خورد و ناگزیر از توجه به آن است و اینجاست که اقتصاد در ژئوپلیتیک مدنظر قرار می‌گیرد. به این ترتیب الزاماً و اجباراً ژئوپلیتیک در نظام علمی خودش مجبور است با اقتصاد درگیر و عجین شود و اقتصاد در ژئوپلیتیک ترکیب می‌شود و از این ترکیب است که ژئواکونومی شکل می‌گیرد که می‌توان گفت ژئواکونومی بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک است. در غیر این صورت چنانچه اقتصاد معطوف به سیاست و قدرت مطالعه نشود، جایگاه آن در ژئوپلیتیک نیست و مفهوم ژئواکونومی را هم نمی‌توان به آن نسبت داد و اقتصاد محض مطرح می‌شود که رشته و موضوع دیگری است. حتی چنانچه اقتصاد از دید فضا مطالعه شود، یک نظام علمی دیگری بنام جغرافیای اقتصادی مطرح می‌شود و علاوه بر آن اگر فضا از دید اقتصادی مطالعه شود، بحث دیگری بنام اقتصاد فضا که شاخه‌ای از علم اقتصاد مطرح می‌شود که در این صورت بحث ژئواکونومی مطرح نیست. ولی هنگامی که اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند می‌خورد و با جغرافیا هم عجین است، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومی به عنوان یک نظام علمی زیر مجموعه جغرافیای سیاسی مطرح می‌باشد. پس در تعریف از ژئواکونومی آنهایی که ژئوپلیتیک را جدا از ژئواکونومی می‌دانند، اغلب از دیدگاه اول و دوم به ژئوپلیتیک نگاه می‌کنند.

۳-۳- تاریخچه ژئواکونومی

ایده اصلی ژئواکونومی و توجه به ابزارهای اقتصادی در امور نظامی و کشورداری از قدیم مورد توجه بوده است. بخصوص در استراتژی‌های قدیمی چینی برای پیروزی غیرنظامی؛ سون تسو^۱ می‌گوید: بهترین نوع برتری به زانو درآوردن ارتش دشمن بدون جنگ است. اگر بتوان منابع رقبا را کنترل کرد، او وادار به تسلیم در برابر شما خواهد شد (Soilen, 2012: 45).

در ایران نیز از گذشته اقتصاد و بازرگانی مورد توجه بوده است و خواجه نصیرالدین طوسی دانشمند ایرانی و وزیر هلاکوخان مغول در قرن هفتم هجری شمسی (قرن ۱۳ میلادی) در کتاب

اخلاق ناصری که در باب اخلاق، اقتصاد و سیاست نوشته است، اصناف جامعه را همانند عناصر چهارگانه طبیعت یعنی آب، خاک، آتش و هوا (باد) به ۴ دسته تقسیم کرده و هر یک از این اصناف را با توجه به اهمیت‌شان به یکی از این عناصر چهارگانه طبیعت تشبیه کرده است. ایشان علما و اهل قلم را به آب، کشاورزان و دهقانان را به خاک، قوای مسلحه و ارتش را به آتش و اهمیت بازرگان و تجار را مانند اهمیت هوا (باد) در جامعه دانسته است که باید در ریه‌های اجتماع جاری شده و به آن حیات و زندگی بخشند (Tusi, 1981: 350).

ریشه‌های فکری ژئواکونومی در اروپای قرن هفدهم و عمدتاً مرکانتیلیسم فرانسوی قرار دارد. مداخله نظامی در بازارها، منابع و شمش مورد نظر به یک کشور اجازه می‌دهد تا صادراتش بیشتر و وارداتش کمتر شود و خرید ارزان و فروش گران داشته باشد، چرا که استعمارگران و سوداگران اسلحه به دست داشتند و طرف مقابل را وادار به قبول خواسته خود می‌کردند (Baru, 2012: 47). در اوایل قرن بیستم برخی معتقد بودند گسترش لیبرالیسم و تجارت موجب گسترش صلح می‌شود و لذا مروج تجارت بین ملتها و کشورها بودند که نفس آن تجارت برای تجارت بود نه برای اهداف ژئوپلیتیک (Copeland, 1999).

پارادایم غالب دوران جنگ سرد غلبه ژئوپلیتیک ایدئولوژیک بر عوامل صرفاً اقتصادی بود و منطق اقتصادی جایگاهی نداشت قدرت‌های رقیب هر دو مجبور بودند برای گسترش ایدئولوژی خود حتی ضرر اقتصادی بدهند، باید اقرار خود را با کمک‌های اقتصادی حتی بلاعوض حفظ می‌کردند. پس از جنگ سرد، رویکرد ژئواکونومی مورد توجه قرار گرفت و این تجدید حیات مدرن خود را مدیون سه عامل است: اول؛ قدرت در نظام بین‌الملل به‌طور فزاینده‌ای به اقتصاد کشیده شد. دوم؛ در مقایسه با دوره‌های قبل، کشورها برای نمایش قدرت، بیشتر به جنبه‌های اقتصادی قدرت و منابعی که در اختیار دارند، توجه کردند. سوم؛ تغییرات بازارهای جهانی موجب تحول الگوهای رفتاری دولت‌ها شد و دولت‌ها عمدتاً متناسب با این تغییرات رفتار کردند.

۴-۳- تفاوت رویکردهای ژئوپلیتیک و ژئواکونومی

اگرچه از نظر نسبت، ژئواکونومی به‌عنوان شاخه‌ای از ژئوپلیتیک بوده و به‌عنوان بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک مطرح است، ولی این رویکرد از دو جهت اساسی با رویکرد ژئوپلیتیک متفاوت است: اول، از نظر موضوع، درگیر فعالیت‌های سیاسی و نظامی نبوده و با فعالیت‌های اقتصادی درگیر است. دوم، از نظر بازیگران درگیر، رویکرد ژئواکونومی به‌ویژه در غرب، فرایندی است که عمدتاً در کنترل و محدود به فعالیت دولت‌های ملی و نمایندگان آنها نبوده و اغلب با ابتکارات اقتصادی بخش خصوصی در سطح بین‌المللی جلو می‌رود. در ژئواکونومی یک فرد کارآفرین هم بازیگری می‌کند، ولی در بحث ژئوپلیتیک عمدتاً دولت‌ها بازیگرند.

ژئواکونومی، به‌دلیل تعدد بازیگران در سطوح مختلف، پیچیده‌تر از ژئوپلیتیک است. استفاده از قدرت نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی، جنبه‌ای از ژئوپلیتیک است نه ژئواکونومی (Clinton, 2011). منطق ژئوپلیتیک عمدتاً منطق حاصل جمع صفر است، درحالی‌که منطق ژئواکونومی منطق حاصل جمع مثبت است. (همه طرف‌ها می‌توانند برنده باشند). حاصل جمع صفر به این معنی است که مثلاً یک کشوری به یک کشور دیگر حمله می‌کند و هر دو کشور تخریب می‌شوند و در نهایت کشور حمله‌کننده نیز به اهدافش نمی‌رسد. ولی در بازی حاصل جمع مثبت هر دو طرف برنده محسوب می‌شوند و کم‌وبیش از وضعیت رضایت دارند و این‌گونه نیست که هیچ چیزی عایدشان نشود (Mandelbaum, 2014: xvi). در ژئوپلیتیک عمدتاً از قدرت سخت برای تحصیل منافع بیشتر استفاده می‌شود ولی در ژئواکونومی عمدتاً از قدرت نرم استفاده می‌شود. خوانندگان مطالب ژئوپلیتیکی به‌ویژه از نظر دیدگاه اول و دوم، عمدتاً اعضای سازمان‌های اطلاعاتی، افسران نیروهای مسلح، سیاستمداران و کارمندان دولت‌ها هستند و خوانندگان مطالب ژئواکونومیک عمدتاً مدیران اجرایی سازمان‌های بخش خصوصی که به‌دنبال استفاده از این ایده‌ها برای گسترش کسب‌وکار خود در سطح بین‌المللی هستند.

جدول شماره ۱: برخی از تفاوت‌های رویکردهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی به صورت مقایسه‌ای

ژئواکونومی	ژئوپلیتیک
در زمان افزایش تجارت آزاد و کاهش خودکفایی ملی رشد می‌کند.	در زمان کاهش تجارت آزاد و افزایش اقتدار ملی رشد می‌کند.
نشان‌دهنده مبارزه بین دولت‌های سرزمینی برای سلطه بر نظام جهانی است.	نشان‌دهنده مبارزه برای گره‌گشایی شدن در درون یک سیستم هژمونیک جهانی است که در آن آمریکا تسلط دارد اما نه به‌طور کامل.
از لحاظ تئوریک توسط نویسندگان مرتبط با مسائل تجارت مطرح شد: ادوارد لوتواک - کنیچی اوهامه.	از لحاظ تئوریک توسط نویسندگان مرتبط با مسائل نظامی مطرح شد: مکیندر - راتزل.
تمرکز سیاست‌ها بر روی رقابت و همکاری برای نفوذ اقتصادی است.	تمرکز سیاست‌ها بر روی سلطه و ائتلاف‌سازی برای امنیت است.
افراد ایده‌آل: مشتریان و سرمایه‌گذاران.	افراد ایده‌آل: شهروندان و سربازان.
تصویرسازی سرزمینی در اطراف نقاط گره‌گامی، کشورهای منطقه و ایجاد ارتباطاتی مانند اینترنت و «وب».	تصویرسازی سرزمینی اطراف بلوک‌ها، کشورها و مرزها، مانند «پرده آهنین».
تمرکز شدید بر بی‌مرزی شبکه‌ها و شتاب.	تمرکز شدید بر مرزها، سرحدات و مکان‌ها.

(Sparke, 2000: 14)

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- ابزارهای ژئواکونومیکی

طرح مارشال بعد از جنگ جهانی دوم یکی از نمودهای ژئواکونومی بود. اما برخی از ابزارهای ژئواکونومیک امروزی، مانند حملات سایبری، در زمان طرح مارشال وجود نداشتند. امروزه حداقل از نظر تئوریک هفت ابزار اقتصادی وجود دارند که در رویکرد ژئواکونومی به کار گرفته می‌شوند:

۱- سیاست‌های تجاری

سیاست‌های تجاری شامل ممنوعیت ورود محصولات نظیر: ورود محصولات کشاورزی ترکیه به روسیه، ممنوعیت ورود مشروبات و آب معدنی از گرجستان به روسیه، ممنوعیت ورود شکلات اوکراین به روسیه، ممنوعیت ورود آجیل تاجیکستان به روسیه، ممنوعیت ورود محصولات لبنی لیتوانیایی به روسیه (Blackwill and Harris, 2016: 50)، بسته شدن تمام بازارهای روسیه در جنگ سال ۲۰۰۸ به روی محصولات کشاورزی گرجستان، ممنوعیت سفر گردشگران روس به ترکیه، افزایش قیمت گاز صادراتی به اوکراین در اوج سرمای زمستان (Cornell and Starr, 2009)، محاصره تجاری گرجستان و بستن هوا، دریا، جاده، و حمل و نقل ریلی، همراه با ارتباطات پستی توسط روسیه، استفاده روسیه از تاکتیک‌های مشابه در مولداوی و اوکراین در تلاش برای مجبور کردن هر دو کشور برای عدم امضای موافقت‌نامه با جامعه اتحادیه اروپا (Papava, 2012: 66). مقررات واردات و تعرفه‌ها، یارانه‌ها و حمایت از کالاهای صادراتی، قیمت‌شکنی (دامپینگ) و سیاست‌های حمایتی از جمله سیاست‌های تجاری محسوب می‌شوند.

۲- سیاست‌های سرمایه‌گذاری

چهل سال قبل، ۹۰ درصد از جریان‌های خارج از مرزها به‌صورت تجارت انجام می‌شد ولی در سال ۲۰۱۴، ۹۰ درصد جریان‌ها به‌صورت جریان‌های مالی بوده و به شکل سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت صورت گرفته است (Steil and Litan, 2006). امکان یا عدم امکان تملیک دارایی خارجی در یک کشور به‌عنوان مثال کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌تواند موجب ترغیب یا بی‌رغبتی سرمایه‌گذاران خارجی شود. آزاد بودن یا نبودن سرمایه‌گذاری در بورس‌های کشورها. به‌نظر می‌رسد امروزه اگر شرایط داخلی یک کشور فراهم شود و شفافیت وجود داشته باشد نیازی به سرمایه داخلی نیست و سرمایه‌گذاران خارجی قطعاً جهت سرمایه‌گذاری به اقتصادهای شفاف سرازیر می‌شوند، ولی برای این کار نیاز به دولت کاردان و کارمندان قوی و تحصیل کرده و متخصص است تا این سرمایه‌گذاران را به‌درستی هدایت کنند و به آنها

کمک نمایندند. دولت راحت طلب و کارمند راحت طلب راه به جایی نمی برد.

۳- تحریم های اقتصادی

تأثیر تحریم ها با دو متغیر اساسی مرتبط است: ۱- اندازه بازار داخلی (از دست دادن آمریکا به عنوان یک بازار بالقوه برای صادرات یک کشور در مقایسه با مثلاً لیختن اشتاین)؛ ۲- سهم یک کشور از بازار جهانی در یک یا چند کالا، برخی از کشورها در تولید برخی کالاها انحصار دارند و اگر کشوری را تحریم کنند راه دیگری برای تأمین آن کالاها نیست. امروزه تقریباً تمام پرداخت های بانکداری الکترونیکی جهانی از شبکه (SWIFT) انجام می شود. استقرار سوئیفت در بلژیک به عنوان یک کشور غربی، استفاده از آن را برای تحریم های ایران راحت تر کرد (Blackwill and Harris, 2016: 50). همچنین انگلستان یک بازیگر مهم در صنعت بیمه حمل و نقل است و این اهرم ژئواکونومیک قابل توجهی برای کشورهای غربی بود تا تحریم های ایران را تشدید کنند. وقتی شرکت بیمه دریایی لوید در جولای ۲۰۱۰ اعلام کرد که واردات بنزین به ایران را بیمه نمی کند، به دنبال آن ارزش ریال بیشتر سقوط کرد (BBC News, October 2, 2012).

۴- سایبر

اگرچه همه حملات سایبری را نمی توان ژئواکونومیک دانست، ولی به دلایل زیر بخشی از حملات سایبری ژئواکونومیک هستند:

بخش اعظمی از حملات سایبری از آدرس های IP در داخل روسیه و چین انجام می شود (Dwyer, 2011). حملات سایبری روزانه حدود ۱۵ درصد از ترافیک اینترنت جهان را اشغال می کنند ولی این رقم در روز ۱ اکتبر ۲۰۱۱، که روز ملی چین و تعطیل رسمی است به حدود ۶,۵ درصد کاهش یافت (Capaccio, 2012). در تابستان ۲۰۰۸ روسیه حملات سایبری گسترده ای علیه زیرساخت های اینترنت گرجستان انجام داد. در سال ۲۰۰۹ استاکس نت علیه تأسیسات هسته ای ایران توسط آمریکا و اسرائیل به کار گرفته شد. حمله سایبری ایران بر روی کامپیوترهای

نیروی دریایی ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ که در پاسخ به تصویب تحریم‌های هفته قبل از آن بود. حملات مداوم هکرهای چینی برای هدف قرار دادن شرکت‌های خصوصی را می‌توان از نوع ژئواکونومیک به حساب آورد. به‌طور کلی حملات سایبری که عاملان آن سازماندهی شده و وابسته به یک دولت هستند، جزو ابزارهای ژئواکونومیک محسوب می‌شوند. حملات سایبری علیه ارتش و پیمانکاران بخش دفاعی آمریکا که منجر به سرقت اطلاعات بیش از ده‌ها برنامه سلاح، از جمله سیستم موشک پاتریوت، جنگنده F-35، و طرح‌های جدید نیروی دریایی برای مبارزه با کشتی‌های ساحلی شد، مطابق تعاریفی که ارائه شد، ژئواکونومیک نیستند (Segal, 2013). برای اینکه حملات سایبری جزو ابزارهای ژئواکونومیک به حساب آیند، باید دو معیار داشته باشند:

الف: از آنجا که ژئواکونومی لزوماً به رفتار دولت مربوط می‌شود، عوامل حمله سایبری ژئواکونومیک باید دولتی بوده یا حداقل هزینه آن از سوی یک دولت تأمین شده باشد. ب: حمله سایبری تلاشی در جهت نفوذ و تأثیرگذاری اقتصادی باشد (Blackwill and Harris, 2016: 60).

حملات سایبری از نوع سلاح نرم محسوب می‌شوند. حمله سایبری به یک ارائه‌دهنده خدمات اینترنت بزرگ تنها با هدف خواندن ایمیل‌ها، از نوع ژئواکونومیک نیست، اما حمله به همان ارائه‌دهنده اینترنت با هدف تضعیف خود آن شرکت و یا اختلال اقتصادی در کشور با هدف ایجاد اختلال گسترده اینترنت، از نوع ژئواکونومیک است. به‌طور کلی، حملات سایبری ژئواکونومیک آنهایی هستند که با استفاده از مکانیسم‌های اقتصادی یا بازارهای مالی به دنبال تحمیل هزینه‌های اقتصادی به‌عنوان بخشی از یک برنامه ژئوپلیتیک بزرگتر هستند. حملات سایبری که به دنبال هدف قرار دادن زیرساخت‌های اقتصادی و مالی مهم یک کشور و یا اشخاص مهم اقتصادی یا تجاری هستند (چه این زیرساخت‌ها دولتی یا خصوصی باشند) و از طرف دیگر برای کشور حمله‌کننده مزیت‌های ژئوپلیتیک بالقوه یا بالفعل ایجاد کنند، از نوع ژئواکونومیک هستند. علاوه بر سرقت عظیم مالکیت معنوی تجاری، توانمندی‌های سایبری ژئواکونومیک، به دنبال هدف قرار دادن شرکت‌های خصوصی، تضعیف تمام یا بخش‌هایی از اقتصاد ملی و از کار

انداختن زیرساخت‌های مهم شبکه‌های الکترونیکی سیستم‌های بانکی هستند (Danzig, 2014). برخی حملات سایبری آشکارا هر دو مشخصه ژئواکونومیک و غیرژئواکونومیک را دارند. وقتی استونی یک بنای تاریخی مربوط به دوره شوروی را از شهر تالین حذف کرد، مورد حمله سایبری قرار گرفت که این حملات ترکیبی از اهداف سیاسی و ژئواکونومیک بود: وبسایت ریاست جمهوری استونی و مجلس، وزارتخانه‌های دولت استونی، احزاب سیاسی، سه تا از شش آژانس بزرگ خبری، دو بانک دولتی و یک شرکت ارتباطات هدف قرار گرفتند. وقتی ابزار سایبر باشد ولی قربانیان اقتصادی، از نوع ژئواکونومیکی است. بخشی از حملات برای سرقت اطلاعات صنایع استراتژیک و در حال ظهور است. حملاتی که به بانک‌ها و برای خاموش کردن کامپیوترهای آنها صورت می‌گیرد، هزینه و زیان بسیار زیاد اقتصادی به دنبال دارد (Traynor, 2007).

حملات سایبری هدایت شده دولتی یا شخصی سالانه بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار در جهان هزینه به بار می‌آورند، که یک‌چهارم این هزینه‌ها به آمریکا تحمیل می‌شود (McAfee, 2014). حملات سایبری حدود ۱۵ الی ۲۰ درصد ارزش افزوده ایجاد شده توسط اینترنت را نابود می‌کنند، که این امر علاوه بر هزینه زیاد، مشاغل زیادی را نیز از بین می‌برد. تخمین زده می‌شود که تنها در آمریکا در اثر این‌گونه اقدامات، ۲۰۰ هزار شغل از بین رفته است که این رقم ۰,۳ درصد نرخ اشتغال آمریکا را کاهش داده است (Ibid).

حملات سایبری اغلب امور مالی، انرژی، فناوری اطلاعات، هوا فضا، و صنایع در حال ظهور استراتژیک را هدف قرار می‌دهند (Shauk, 2013). در میان اهداف اقتصادی، بخش انرژی یکی از جذاب‌ترین اهداف است. در سال ۲۰۱۲ در آمریکا ۴۱ درصد از حملات به شرکت‌های انرژی انجام شده است (Clayton, 2013). حمله سایبری مشهور «ارزدهای شب» که به چین نسبت داده شد، مخرب‌ترین حمله علیه اهداف انرژی آمریکا بود که از حدود سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۱ از پنج شرکت بزرگ انرژی غرب آمریکا جاسوسی کرده بود و صدها گیگابایت از اطلاعات حساس معاملات مالی و مناقصه، و اطلاعات مربوط به عملیات نفت و گاز را به سرقت برده بود (Clayton and Segal, 2013: 2). در سال ۲۰۱۲ عنوان شد که هکرهای ایرانی به شرکت

آرامکو عربستان حمله کردند که منجر به از بین رفتن اطلاعات و در نهایت خاموش شدن حدود ۳۰،۰۰۰ کامپیوتر شد (Nakashima, 2012).

۵- کمک‌های اقتصادی

کمک اقتصادی یا نظامی، کمک‌های توسعه دوجانبه، کمک‌های انسان‌دوستانه که با هدف نفوذ استراتژیک در کشورها انجام می‌شوند، از نمونه‌های ساده ابزارهای ژئواکونومیک هستند. کمک‌های نظامی و بشردوستانه در معنای وسیع ژئواکونومیک هستند، چرا که پول قابل مبادله است و کشوری که کمک نظامی یا انسان‌دوستانه دریافت می‌کند، می‌تواند مسیر مصرف آن را تغییر و یا ذخیره کند (Blackwill and Harris, 2016: 68). برخی از بزرگ‌ترین و طولانی‌مدت‌ترین نمونه این کمک‌ها که از سوی آمریکا اجرا می‌شود، اختصاص سالانه ۵,۵ میلیارد دلار به اسرائیل و مصر است (Londoño, 2014). در مورد روسیه و عربستان سعودی اثبات شده است، اگر کمک‌های نظامی، در زمان مناسب انجام شود، می‌تواند اثرات ژئوپلیتیک مهمی داشته باشد. نظیر بسته کمک ۳ میلیارد دلاری عربستان سعودی به لبنان در ۲۰۱۳ برای تقویت تمایل دولت لبنان به عربستان و مقابله با حزب‌الله (Barnard, 2014).

۶- سیاست‌های پولی و مالی

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که تغییر و تحولات در مدیریت مالی کشور تأثیر بسیاری بر قدرت ملی و تجلی جهانی آن دارد (Suri, 2014). سیاست‌های پولی به سیاست‌هایی گفته می‌شود که می‌خواهد از طریق تغییر و کنترل در حجم پول و تغییر در سطح و ساختار نرخ بهره و یا سایر شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات مالی به اهداف معین اقتصادی نائل گردد. مقامات پولی می‌توانند سطح کل فعالیت‌های اقتصادی را به وسیله تغییر در عرضه پول یا تغییر در انتظارات مردم یا هر دو برای تغییر در نرخ بهره آینده تحت تأثیر قرار دهند. سیاست مالی به سیاست‌هایی می‌گویند که از طریق ابزارهایی نظیر تغییر در هزینه‌های دولتی و مالیات سعی می‌کند به اهداف معین اقتصادی نائل گردد. این‌گونه سیاست‌ها در تمایل یا عدم تمایل سرمایه‌گذاران خارجی و

همچنین به صرفه بودن واردات یا صادرات مؤثر هستند که در نهایت می‌توانند منجر به افزایش یا کاهش قدرت ملی گردند.

۷- سیاست‌های ملی حاکم بر انرژی و کالاها

کشورها از انرژی یا کالا برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک خود استفاده می‌کنند. در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ و به دنبال اختلافات سیاسی، روسیه گاز صادراتی به بخش‌هایی از اروپا را به حالت تعلیق درآورد. مطابق تحقیقات انجام شده پس از فروپاشی شوروی، روسیه بیش از ۵۰ بار از این تهدید استفاده کرده است (Johnson, 2013). در ژانویه ۲۰۱۴، گازپروم کنترل شرکت دولتی گاز ارمنستان را به دست گرفت و حتی نام آن را به گازپروم ارمنستان تغییر داد. در آوریل ۲۰۱۴، گازپروم با ۱ میلیارد دلار شرکت گاز قرقیزستان را خرید و نام آن را نیز به گازپروم قرقیزستان تغییر داد. برخی قراردادهای انرژی هسته‌ای روسیه فاقد منطق تجاری است و با اهداف توسعه نفوذ پیگیری می‌شود چرا که بسیار ارزان‌تر از گزینه‌های غربی است. روسیه از نظر تمایل به استفاده از انرژی و کالاها در مسائل ژئوپلیتیک، منحصربه‌فرد است. بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی برای برقراری تعادل در روابط خود با روسیه، با چین قراردادهای انرژی امضاء می‌کنند (Blackwill and Harris, 2016: 85).

۲-۵- ژئواکونومی در سیاست خارجی و نظام بین‌الملل

پدیده‌های اقتصادی اهمیت زیادی داشته و دارای و تأثیرات ژئوپلیتیکی مهمی هستند. آمریکا به دلیل اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم قدرت رهبری پیدا کرد. هم‌اکنون نیز چین به دلیل اقتصادی توانسته موقعیت ژئوپلیتیک خود را در نظام بین‌الملل ارتقا دهد. بسیاری معتقدند همچنان که ارتقای موقعیت چین با توجه به ژئواکونومی بوده مهار آن نیز باید با منطق ژئواکونومیک صورت گیرد. ترامپ به چین هشدار داده است که در صورت سوء رفتار چین با همسایگانش به‌ویژه تایوان، اقداماتی از قبیل مخالفت با موانع تجاری حمایتی، ممنوعیت سرمایه‌گذاری، عدم دادن تکنولوژی حساس و حتی اعمال محدودیت بر صادرات مواد خام به چین صورت می‌گیرد.

همچنان که در گذشته سربازان و جوانان برای تصرف مناطقی راهپیمایی می‌کردند، امروز مالیات‌دهندگان متقاعد به پرداخت یارانه برای طرح‌های پیروزی در زمینه‌های صنعتی می‌شوند. فرانسه، آلمان و بریتانیا به‌جای رقابت با یکدیگر، در حال همکاری برای تأمین مالی صنایع ایرباس در برابر بوئینگ هستند. امروزه به‌جای اندازه‌گیری پیشروی‌های خط مقدم بر روی نقشه، به‌دست آوردن سهم بیشتر از بازار جهانی برای محصولات مورد نظر دنبال می‌شود. سیاست خارجی ژئواکونومیک باعث می‌شود که اولویت‌های سیاست خارجی به سمت اهداف اقتصادی تغییر یابد و از نظامی‌گری دور شود. ژئواکونومی در نظام بین‌الملل آمیزه‌ای از منطق تقابل با روش تجارت است. با توجه به اینکه در جهان امروز به‌مرور تهدیدات نظامی و اتحادهای نظامی افول می‌کنند، اولویت‌های ژئواکونومیک در اقدامات دولت‌ها غالب می‌شوند، البته کشور به کشور شرایطش متفاوت است.

امروزه رقابت ژئواکونومیک، خط مقدم رقابت‌های جهانی است. کشورها به‌جای استفاده از روش‌های سنتی؛ از اقدامات تنبیهی اقتصادی، استقرار نظام‌های تجارت، رقابت و دست‌کاری قیمت استفاده می‌کنند. توجه کشورها به اقدامات اقتصادی برای تثبیت قدرت ژئوپلیتیک خود، موجب تأثیر بر گسترش تجارت جهانی و همکاری‌های سیاسی برای تسهیل روابط اقتصادی شده است. هرچه در نظام بین‌الملل ژئواکونومی گسترش می‌یابد، تجارت جهانی رشد می‌کند و برای اینکه تجارت تسهیل شود روابط سیاسی را باید تسهیل کرد. تجدید حیات مدرن ژئواکونومی در جهان در حال حاضر در مقیاس قابل توجهی در حال وقوع است که سطح به‌کارگیری آن در سیاست خارجی را افزایش داده است. ابزارهای ژئواکونومیک از شش طریق چشم‌انداز ژئوپلیتیک کنونی جهان را تغییر می‌دهند:

۱- رویکرد ژئواکونومیک انتخاب‌های سیاسی جدیدی پیش‌رو می‌گذارد.

روسیه در سال ۱۹۹۸ دارای کمتر از ۱۵ میلیون دلار ذخایر مالی بود و وابستگی زیادی به صندوق بین‌المللی پول داشت (Kharas et al, 2001)، اما در سال ۲۰۰۸ بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار ذخایر داشت (بیش از چهل برابر بیشتر از سال ۱۹۹۸)، در نتیجه نسبت به همسایگان خود یعنی گرجستان و اوکراین و... سیاست تهاجمی اتخاذ کرد (Kramer, 2008). امروز روسیه به دیگر

کشورها طرح کمک اقتصادی ارائه می‌دهد و انتخاباتها و گزینه‌هایش برای نقش‌آفرینی در نظام بین‌الملل افزایش یافته است.

۲- رویکرد ژئواکونومیک به کشورها اجازه می‌دهد ابزارهای جدیدی در سیاست خارجی خود به‌کار گیرند که حتی برخی از آنها در دسترس آمریکا و دیگر رهبران غربی نیست.

در دیدار رئیس‌جمهور چین از روسیه در مارس ۲۰۱۳، وی همکاری نزدیک‌تر بین دو ملت را خواستار شد و به‌عنوان حسن نیت، یک وام ۲ میلیارد دلاری به شرکت نفت روسیه «روس نفت»، داد تا طی یک دوره بیست‌وپنج ساله و به‌صورت فروش نفت به چین آن را بازپرداخت نماید. در سفر دیپلما روسف رئیس‌جمهور برزیل به چین در سال ۲۰۱۱، رئیس‌جمهور چین به‌منظور تقویت روابط دیپلماتیک دو کشور سفارش خرید ۳۰ فروند هواپیمای «امبرائر» از برزیل برای سه شرکت هوایی دولتی چین را داد (Rudnitsky and Bierman, 2013 and BBC News, 2011). اینها چیزهایی است که دولت‌های آمریکا یا ژاپن نمی‌توانند انجام دهند، چرا که اولاً شرکت‌ها دولتی نیستند و ثانیاً از نظر تکنولوژیکی توجیهی وجود ندارد که آمریکا یا ژاپن از برزیل هواپیما بخرند و ثالثاً به‌دلیل وجود نهادهای دموکراتیک در آمریکا و ژاپن و... تصمیم‌گیری در این زمینه‌ها نمی‌تواند به یکباره باشد و نیاز به مصوبه‌هایی از نهادهای قانونی است و این کار زمان‌بر است (Luttwak, 2012).

۳- کشورهایی که از ابزارهای ژئواکونومیک استفاده می‌کنند، نه‌تنها ماهیت دیپلماسی را تغییر می‌دهند بلکه بازارها را نیز تغییر می‌دهند.

در سال ۲۰۰۸، استاندارد بانک آفریقای جنوبی ۲۰ درصد از سهام خود را به بانک دولتی صنعت و بازرگانی چین فروخت. تا از این طریق ضمن راحت‌تر شدن مبادلات بانکی، همکاری‌ها افزایش یابد و هر دو طرف بهتر بتوانند بر بازار آفریقا تمرکز کنند (England and Schafer, 2014). وقتی آرژانتین تعرفه برخی از کالاهای با ارزش افزوده پایین چینی را بالا برد، چین نیز واردات گوشت گاو از آرژانتین را محدود کرد (Economist, 2011). وقتی چین به سودان وام می‌دهد، به‌دلیل غیردموکراتیک بودن این کشور می‌تواند در تمامی ارکان رهبری آن نفوذ کند و سیاست و بازار این کشور را یکجا به‌دست بگیرد.

۴- معاملات با انگیزه ژئوپلیتیک می‌تواند به عوامل مهم در محاسبات سیاست خارجی یک کشور تبدیل شود.

مجموعه سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک چین در سراسر آفریقا آموزنده است. رهبر چین در سفر سال ۲۰۱۴ خود به آفریقا اعلام کرد که چین خط اعتباری خود به کشورهای آفریقا را از ۱ میلیارد دلار به ۳۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داد (Wall Street Journal, 2014). به‌ویژه هنگامی که این مبالغ به کشورهای ضعیف و غیردموکراتیک سرازیر شود، می‌تواند موجب نفوذ در سیاست خارجی آنها گردد. سودان قبل از سرمایه‌گذاری چین وارد کننده نفت بود ولی پس از این سرمایه‌گذاری با توسعه صنعت نفت خود در حال حاضر سالانه ۲ میلیارد دلار درآمد نفت دارد که نیمی از آن از راه فروش نفت به چین می‌باشد که این درآمدها عمدتاً صرف خرید اسلحه از چین می‌گردد (Blair, 2005). قبل از استقلال سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱، حدود ۸۰ درصد از درآمد نفت سودان صرف خرید سلاح برای سرکوب جدایی‌طلبان جنوب می‌شد و حتی با کمک چین، دولت سودان سه کارخانه تولید سلاح در نزدیکی شهر خارطوم پایتخت سودان ایجاد کرده است. همچنین چین حدود ۴۰۰۰ سرباز به منظور محافظت از یک خط لوله نفت، در سودان جنوبی مستقر کرده است که به‌نوعی یک پایگاه نظامی برون‌مرزی است (Blackwill and Harris, 2016: 44).

۵- بسیاری از این قراردادها اغلب مذاکره حاکمان مطلق با حاکمان مطلق هستند و به‌نظر می‌رسد برای تقویت رژیم‌های مربوطه طراحی شده‌اند.

معاملات، به‌ویژه از نوع بد آن، راحت‌تر می‌توانند توسط حاکمان مطلق با حاکمان مطلق مورد مذاکره قرار گیرند، و قراردادها سریع‌تر از دموکراسی‌ها که به‌دلیل نیاز به شفافیت و نظارت طولانی می‌شوند، بسته می‌شوند. چرا که این حاکمان مطلق راحت‌تر می‌توانند از منافع ملی به منظور حفظ قدرت خود چشم‌پوشی کنند و به کسی نیز پاسخگو نیستند. قبل از انتخابات ونزوئلا هوگو چاوز ۱,۵ میلیارد دلار از چین در قبال صادرات نفت در آینده، دریافت کرد که آن مبلغ نیز توسط شرکت سرمایه‌گذاری چین صرف پروژه‌های خانه‌سازی در شهر کاراکاس شد که این امر در کمپین انتخاباتی چاوز بسیار مورد تأکید و استفاده قرار گرفت. به‌دنبال آن شرکت نفت

ونزوئلا ۱۰ درصد از سهام خود را به شرکت سرمایه‌گذاری چین واگذار کرد (Crooks and Orozco, 2012). با این‌گونه اقداماتی که چین و روسیه انجام می‌دهند مانع از تغییر رژیم‌های استبدادی و ضد غربی نظیر بلاروس، ازبکستان، کره شمالی، زیمبابوه، سودان، آنگولا، و اخیراً میانمار می‌شوند (Kagan, 2006).

۶- تنش‌های امنیتی و اقتصادی نسبت به قبل یکدیگر را بیشتر تقویت می‌کنند.

در حال حاضر کشورها اغلب برای انعطاف‌پذیر کردن ژئوپلیتیک در کوتاه‌مدت، رویکردهای ژئواکونومیکی اتخاذ می‌کنند و از نیروی نظامی کمتری استفاده می‌کنند. تهاجم روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸ و به کریمه در سال ۲۰۱۴ و رفتار نیروی دریایی چین در دریاهای چین جنوبی و شرقی نمونه‌ای از این رفتارهاست. اما اختلافات سیاست‌های خارجی کشورها در زمینه‌های اقتصادی، از ممنوعیت صادرات کالاهای کلیدی تا حمله سایبری به بخش‌های اقتصادی و بانکی کشورها در حال افزایش است و زیرساخت‌های اقتصادی را فلج می‌کند (Blackwill and Harris, 2016: 46-47).

قدرت ژئواکونومی و استفاده از آن یکی از جنبه‌های بسیار مهم در روابط بین‌الملل کنونی است. نگاهی به موازنه قدرت جهانی از منظر ژئوپلیتیک سنتی، نشان‌دهنده این است که آمریکا بر اساس قدرت نظامی یک هژمون بلامنازع است، ولی از منظر ژئواکونومیک توازن قدرت به نحوی است که قدرت آمریکا در حال کاهش است و جهان به سمت چندقطبی شدن پیش می‌رود و سهم اقتصاد آمریکا از اقتصاد جهانی به مرور کاهش می‌یابد. در روابط بین‌الملل دیدگاه ژئواکونومیک از طریق روش‌های اقتصادی در حال برقراری «توازن نرم» است.

۳-۵- ژئواکونومی در سیاست داخلی و کشورداری

ژئواکونومی در سیاست داخلی به‌نوعی به بحث کشورداری ژئواکونومیک و مدنظر قرار دادن اصول و مبانی این رویکرد مربوط است که موجب تقویت قدرت ملی شده و رقابت‌پذیری کشور در مسائل گوناگون را در نظام بین‌المللی تضمین می‌کند. این رویکرد در سیاست داخلی عمدتاً از طریق مدنظر قرار دادن جنبه‌های زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- جنبه فرهنگی

موفقیت در کسب و کار بین‌المللی تا حد زیادی مربوط به درک و مدیریت تفاوت‌های فرهنگی است (چه نوع کالایی برای کدام جامعه). اقتصاد نئوکلاسیک از درک تفاوت‌های فرهنگی غافل است و ابتدا یک کالا را تولید می‌کند و به مرور فرهنگ آنجا می‌افتد. درحالی‌که در ژئواکونومی متناسب با هر فرهنگ کالا و خدمات مناسب ارائه می‌گردد. عدم توجه به حساسیت‌های فرهنگی موجب تولید دوگانگی (ما و آنها) بین تولیدکننده و مصرف‌کننده و ایجاد نوعی حس ناسیونالیستی و مقاومت در مصرف‌کننده می‌گردد (Soilen, 2012: 15). واضح است که توجه بخش‌ها دولتی و خصوصی کشور به مسائل و سلايق فرهنگی در تولیدات اقتصادی می‌تواند به مقبولیت کالاها و خدمات ارائه شده توسط یک کشور در سطح بین‌المللی کمک نماید و موجب تضمین تداوم صادرات گردد. بنابراین چه در خصوص کالاهایی که مصرف داخلی و چه صادراتی هستند، لازم است ظرافتهای فرهنگی لحاظ گردد.

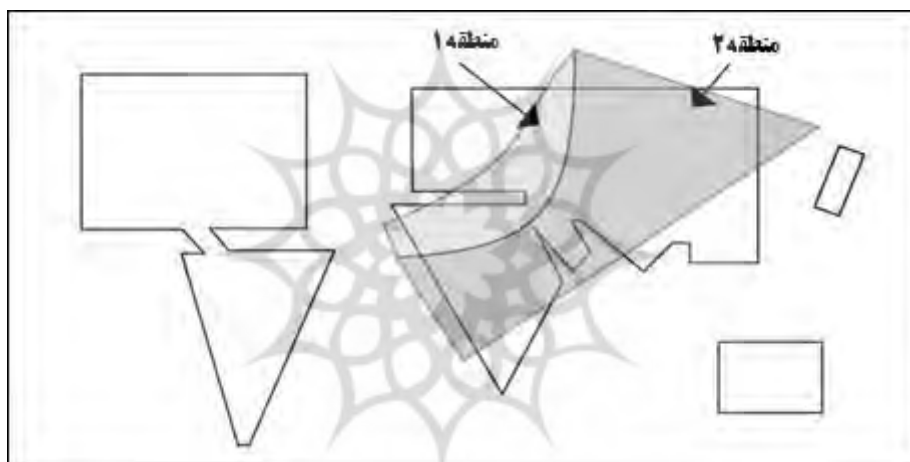
۲- جنبه اقتصادی

به‌طور کلی نیمی از اقتصاد جهان غیرقانونی و یا پنهان است که شامل معاملات مواد مخدر، فحشا، قاچاق انسان، اسلحه و بخش مالی (پناهگاه‌های مالیاتی) است که به دولت مالیات پرداخت نمی‌کنند (Ibid: 148)، در تحلیل‌های ژئواکونومیک این مسائل مورد توجه قرار می‌گیرد و هرچه شیوع این موارد در یک کشور بیشتر باشد، علاقمندی کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای فعالیت در این کشور کمتر می‌شود که این مسئله به‌ویژه در مرور زمان به تضعیف اقتصاد ملی و در نهایت قدرت ملی آن کشور منجر می‌شود. توجه به کارآفرینان و رفتار دولت‌های ملی با آنها یکی دیگر از مسائلی است که در ژئواکونومی مورد توجه مداوم قرار دارد. توجه به بهبود مداوم شاخصه‌های فضای کسب و کار و همچنین مشکل بهره‌وری در بخش دولتی نیز از مواردی است که در ژئواکونومی مورد تأکید است. در حقیقت هرچه اقتصاد یک کشور به سمت رقابتی شدن و خصوصی شدن و تولید محصول بر مبنای مزیت رقابتی کشور پیش می‌رود از نظر ژئواکونومیک با اهمیت بوده و بر قدرت ملی آن می‌افزاید.

۳- جنبه سیاسی

در بعد سیاسی مواردی نظیر: دموکراسی و شایسته‌سالاری، مشروعیت داخلی، بنیادگرایی و تروریسم و همچنین بی‌ثباتی سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند چرا که وجود مشکل در این موارد موجب عدم اقبال نسبت به سرمایه‌گذاری و تولید و در نتیجه رواج سیستم اقتصادی واسطه‌گری می‌انجامد که ضمن تولید فقر مضاعف، یک چرخه بی‌ثباتی دائمی را به دنبال دارد و این بی‌ثباتی نیز به نوبه خود فرار سرمایه و کارآفرینان واقعی را در پی دارد.

نقشه شماره ۱: مناطق بی‌ثبات جهان از جنبه سیاسی



Ibid: 160

۴- جنبه اجتماعی

در بعد اجتماعی مسائلی نظیر: انواع فساد، تعداد جمعیت و ویژگی‌های آن (سواد و...)، عدالت، امنیت، رسانه‌های جمعی، مهاجرت به ویژه نخبگان و کارآفرینان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و شاخص‌هایی برای سنجش این مسائل وجود دارد که نامناسب بودن آنها یک دافعه محسوب می‌گردد و رقابت‌پذیری کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

همچنان‌که در موارد فوق نیز مورد اشاره قرار گرفت، در عصری که رویکرد ژئواکونومی در دستور کار قرار گرفته است، هرچه کشورها خودشان را با این رویکرد منطبق نمایند راحت‌تر می‌توانند در نظام بین‌الملل بازیگری نمایند و از منافع حداکثری برخوردار گردند. در داخل کشور

نیز توجه به اصول و مبانی ژئواکونومی به انطباق بخش‌های داخلی با منطق ژئواکونومیک و در نتیجه استحکام و کارآمدی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی منجر گردد که در این صورت توان تأثیرگذاری خارجی کشور نیز افزایش می‌یابد.

۵- نتیجه‌گیری و توصیه‌هایی برای ایران

بنا به مقتضیات هر عصری عواملی به‌عنوان ابزارهای قدرت و برتری‌جویی مورد توجه بوده‌اند، زمانی گسترده‌گی سرزمین کشورها و امپراتوری‌ها، زمانی نوع و قدرت تخریب سلاحها، در عصری دیگر نیز ایدئولوژی و میزان مقبولیت آن در سطح جهانی عامل قدرت در نظر گرفته شده‌اند. پس از جنگ سرد و با گسترش پدیده جهانی شدن، عوامل اقتصادی به ابزاری برای قدرت و رقابت تبدیل شدند. مورد توجه قرار گرفتن اقتصاد در ژئوپلیتیک به شکل‌گیری مفهومی بنام ژئواکونومی منجر شد که در آن به‌طور کلی مباحثی نظیر پیامدهای ژئوپلیتیک پدیده‌های اقتصادی و پیامدهای اقتصادی روندهای ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. ژئواکونومی در حقیقت ادامه منطق ژئوپلیتیک و ترکیب آن با ابزارهای اقتصادی در عصر جهانی شدن است و با وجود اینکه به‌عنوان شاخه یا رویکردی در ژئوپلیتیک است، ولی تفاوتی با ژئوپلیتیک به‌ویژه در زمینه‌هایی همچون تعدد زیاد بازیگران، پیچیدگی، توسل به ابزارهای متعدد و متنوع قدرت نرم دارد. این مفهوم هم در روابط بین‌الملل و هم سیاستهای داخلی و کشورداری مورد توجه قرار گرفته است و کشورهایی که این رویکرد را دنبال می‌کنند به بازیگران مهم عرصه بین‌الملل تبدیل شده‌اند.

اگرچه ماهیت مقاله حاضر نظری است و جایگاهی برای طرح مباحثی از نوع مطالعه موردی ندارد، ولی به‌نظر می‌رسد اشاره کوتاه به وضعیت ایران از جهت رویکرد ژئواکونومیک هم می‌تواند توجهات بیشتری را نسبت به لزوم اتخاذ آن رویکرد در سیاستهای داخلی و خارجی جلب نماید و هم اینکه به فهم مسائل کشور در قالب این رویکرد کمک کند. چندین دهه است که تلاشهای فراوانی در جهت رفع مسائل اقتصادی کشور صورت گرفته است که بعضاً به نتایج خوبی نیز منجر شده است ولی با این حال همچنان مسائل فراوانی وجود دارد که لاینحل مانده

است. از آنجایی که ماهیت مباحث ژئواکونومیک از نوع نرم‌افزاری هستند، به نظر می‌رسد تحلیل مسائل کشور از زاویه رویکرد ژئواکونومیک می‌تواند به فهم جدیدی از آنها منجر شود که در این صورت راهکارهای ژئواکونومیکی شاید بتوانند مثمر ثمر واقع شوند. بخش عمده‌ای از مطالعات جغرافیای سیاسی در خصوص تحلیل نقش سیاست در فضای جغرافیایی است که یکی از ابعاد آن فضا بعد اقتصادی است. به عبارت دیگر جغرافیای سیاسی در بخشی از مطالعات خود به مطالعه نقش سیاست در بعد اقتصادی فضا می‌پردازد. برای فهم بخشی از مسائل اقتصادی لازم است به آنها از دیدگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک توجه نمود. امروزه بخش زیادی از مسائل اقتصادی در کشور اگرچه در ظاهر اقتصادی هستند، ولی در حقیقت از نوع سیاسی و ژئوپلیتیک هستند. انزوای سیاسی و ژئوپلیتیک که در دهه‌های اخیر بر کشور چه از سوی نیروهای داخلی و چه خارجی تحمیل شده است یکی از مسائل کلانی است که بخشهای زیادی از مسائل اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. هرگونه انزوا از نظر اقتصادی یک دافعه محسوب می‌شود و مزیت‌های کشور را از بین می‌برد. علاوه بر آن انزوا موجب توجه به سیاست‌های خودکفایی ولو به هر قیمت شده و به مسئله تولید در شرایط عدم مزیت دامن می‌زند که توجیه اقتصادی نداشته و منابع ملی را تحت فشار قرار می‌دهد. به طور کلی انزوای هر ارگان‌سیمی موجب بالا رفتن آنتروپی آن شده و آن را به سمت نابودی می‌برد.

انزوای اقتصادی موجود در کشور کاملاً برخلاف اصول و مبانی رویکرد ژئواکونومیک است و در عصری که همه رقبا این رویکرد را مورد توجه قرار داده‌اند عدم انطباق با آن به طور خودکار مزیت رقابتی را در اکثر زمینه‌ها کاهش می‌دهد که به معنی کاهش قدرت ملی است. با این وضعیت چنانچه به زیرساختها و بسترهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی اقتصاد کشور توجه نشود، بهترین برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای کارایی خود را از دست خواهند داد چرا که انزوای ژئوپلیتیکی به انزوای سیاسی و اقتصادی و در نتیجه عدم کارکرد براساس مزیتها که یک اصل مسلم اقتصادی است منجر می‌شود و هرگونه تولید و فعالیت اقتصادی برمبنای عدم مزیت، توجیه ندارد و در بازارهای جهانی نیز قابل رقابت و فروش نیست که این امر جایگاه کشور در فرایند تقسیم کار جهانی را مختل می‌کند. به طور کلی چنانچه کشور بخواهد قدرت ملی خود را

حفظ و افزایش دهد، لازم است سیاست‌ها و برنامه‌های منطبق با رویکرد ژئواکونومیک را با همه ملزومات آن پیگیری نماید. در ادامه برخی پیشنهادات در راستای توجه به ژئواکونومی در کشور ارائه می‌گردد:

- ۱- توجه به رشد اقتصادی برای تقویت جایگاه کشور در نظام بین‌الملل.
- ۲- ایجاد و تبلیغ گفتمان ژئواکونومی در کشور.
- ۳- شناسایی پتانسیل‌های ژئواکونومیک و توجه به آنها.
- ۴- ملاک عمل قرار گرفتن ابزارهای ژئواکونومیک برای تحصیل منافع ملی.
- ۵- توجه به ابعاد ژئواکونومیک در همه سازمان‌ها متناسب با مأموریت آنها.
- ۶- ژئواکونومیک کردن جنبه‌های رقابت در منطقه به‌جای ژئوپلیتیک و نظامی کردن آنها.
- ۷- تقویت زیرساخت‌ها در برابر حملات سایبری ژئواکونومیک.
- ۸- توجه به شفافیت و شایسته‌سالاری به‌ویژه در اقتصاد و سیاست.
- ۹- تدوین و تصویب قوانین مناسب برای پیشبرد زمینه‌های ژئواکونومی.
- ۱۰- توجه به بهبود مداوم به فضای کسب‌وکار و رقابتی شدن فعالیت‌های اقتصادی.
- ۱۱- توجه به تدریس ژئواکونومی در دانشگاه‌ها (در روسیه دانشکده‌های ژئواکونومی وجود دارد).

۶- قدردانی

نگارنده بر خود لازم می‌داند از جناب آقای دکتر محمدرضا حافظ‌نیا به خاطر رهنمودهای ارزشمندشان در طول انجام پژوهش حاضر کمال تشکر را داشته باشد.

References

1. Barnard, Anne (2014), "Saudis' Grant to Lebanon Is Seen as Message to U.S.," New York Times, January 6, 2014.
2. Baru, Sanjaya (2012), Geo-economics and Strategy. Survival, Vol. 54 No. 3, June-July 2012. pp. 47-58. DOI 10.1080/00396338.2012.690978.
3. BBC News (2011), "China Signs \$1.4bn Brazil Plane Deal to Kick Off Summit," April 12, 2011.
4. BBC News, October 2, 2012.
5. Blackwill, Robert D and Harris, Jennifer M (2016), War by Other Means. Harvard University Press.
6. Blair, David (2005) "Oil- Hungry China Takes Sudan under Its Wing," Telegraph, April 23, 2005.
7. Bremmer, Ian (2010), The End of the Free Market: Who Wins the War between States and Corporations? New York: Portfolio.
8. Capaccio, Tony (2012), "China Most Threatening Cyberspace Force, U.S. Panel Says," Bloomberg Business, November 5, 2012.
9. Clayton, Blake and Segal, Adam (2013), "Addressing Cyber Threats to Oil and Gas Supplies," Council on Foreign Relations Energy Brief, June 2013, 2.
10. Clayton, Mark (2013) "Energy Sector Cyberattacks Jumped in 2012. Were Utilities Prepared?" Christian Science Monitor, January 7, 2013.
11. Clinton, Hillary (2011), "Economic Statecraft", Speech delivered at the Economic Club of New York, October 14, 2011.
12. Copeland, Dale C (1999), "Economic Interdependence and War: A Theory of Trade Expectations," International Security 20, No. 4 (Spring 1999): 5-41.
13. Cornell, Svante E. and Starr, S. Frederick (2009), The Guns of August 2008: Russia's War in Georgia.
14. Cowen, Deborah and Smith, Neil (2009), "After Geopolitics? From the Geopolitical Social to Geoeconomics," Antipode 1, 22-48. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8330.2008.00654.x>.
15. Crooks, Nathan and Orozco, Jose (2012), "PDVSA Receives \$1.5 Billion Housing Loan from Chinese Bank," Bloomberg Business, February 27, 2012.
16. Danzig, Richard (2014), "Surviving on a Diet of Poisoned Fruit: Reducing the National Security Risks of America's Cyber Dependencies," Center for a New American Security, July 2014, 8.
17. Dwyer, Geoff (2011), "U.S. Takes Aim at China and Russia over Cyber Attacks," Financial Times, November 3, 2011.
18. Economist (2011), "Trying to Pull Together: The Chinese in Africa," April 20, 2011.
19. Edward Luttwak (2012), the Rise of China vs. the Logic of Strategy. (Cambridge, Mass. Belknap Press of Harvard University Press.
20. England, Andrew and Schafer, Daniel (2014), "Standard Bank to Sell Control of

- London Arm for \$765m,” *Financial Times*, January 29, 2014.
- 21.Hafeznia, Mohammadreza (2017), Tarbiat Modares University, February 27, unpublished [in Persian].
- 22.Johnson, Keith (2013), “Putin’s Gas Gambit Backfires,” *Foreign Policy*, December 12, 2013.
- 23.Kagan, Robert (2006), “League of Dictators,” *Washington Post*, April 30, 2006.
- 24.Kharas, Homi; Pinto, Brian and Ulatov, Sergei (2001), “An Analysis of Russia’s 1998 Meltdown: Fundamentals and Market Signals,” *Brookings Papers on Economic Activity* No. 1, 2001, Brookings Institution, Washington, D.C.
- 25.Kramer, Andrew (2008), “New Anxiety Grips Russia’s Economy,” *New York Times*, October 30, 2008; “Russia’s International Reserves Gain Five Billion Dollars in Seven Days,” *Pravda.ru*, May 12, 2008.
- 26.Londoño, Ernesto (2014), “U.S. to Partially Resume Military Aid to Egypt,” *Washington Post*, April 22, 2014.
- 27.Lorot, Pascal (2001), “La géoéconomie, nouvelle grammaire des rivalités internationales,” *L’information géographique* 65, No. 1 (2001), 43–52.
- 28.Mandelbaum, Michael (2014), *The Road to Global Prosperity* (New York: Simon and Schuster, 2014), xvi– xvii.
- 29.Martiningui, Ana and Youngs, Richard (2011), “Geo- Economic Futures,” in *Challenges for European Foreign Policy in 2012: What kind of geo- economic Europe?* Madrid: FRIDE.
- 30.McAfee (2014), According to a 2014 report by McAfee “a conservative estimate would be \$375 billion in losses, while the maximum could be as much as \$575 billion.” Available at: www.mcafee.com/us/resources/reports/rp-economic-impact-cybercrime2.pdf.
- 31.Nakashima, Ellen (2012), “Iran Blamed for Cyberattacks on U.S. Banks and Companies,” *Washington Post*, September 21, 2012.
- 32.Papava, Vladimer (2012) “Economic Component of the Russian- Georgian Conflict,” *Geo- Economics* 6, No. 1.
- 33.Rudnitsky, Jake and Bierman, Stephen (2013), “Rosneft’s \$270 Billion Oil Deal Set to Make China Biggest Market,” *Bloomberg Business*, June 21, 2013.
- 34.Segal, Adam (2013), “Shaming Chinese Hackers Won’t Work,” *Guardian*, May 30, 2013.
- 35.Shauk, Zain (2013), “Malware on Oil Rig Computers Raises Security Fears,” *Houston Chronicle*, February 22, 2013.
- 36.Soilen, Klaus Solberg (2010), *the Shift from Geopolitics to Geoeconomics and the Failure of Our Modern Social Sciences*, Electronic Research Archive, Blekinge Institute of Technology, 2010.
- 37.Soilen, Klaus Solberg (2012), *Geoeconomics*. Bookboon Publications.
- 38.Sparke, Matthew (2000), *Excavating the Future in Cascadia: Geoeconomics and the Imagined Geographies of a Cross-Border Region*. BC Studies, autumn 2000.

ProQuest Education Journals.

39. Steil, Benn and Litan, Robert (2006), *Financial Statecraft: The Role of Financial Markets in American Foreign Policy* (New Haven, Conn: Yale University Press).

40. Suri, Jeremi (2014), "State Finance and National Power: Great Britain, China, and the United States in Historical Perspective," Tobin Project discussion paper on "Sustainable National Security Strategy," January 2014.

41. Thirlwell, Mark (2010), *The Return of Geo- economics*. Interpreter, Lowy Institute for International Policy, May 24, 2010.

42. Traynor, Ian (2007), "Russia Accused of Unleashing Cyberwar to Disable Estonia," *Guardian*, May 16, 2007.

43. Tusi, Khaje Nasir al-Din (1981), *Akhlaq-i Nasiri (Nasirean Ethics)*, corrected and justified by Mojtaba Minavi and Alireza Heidari, Tehran: Kharazmi Publishing Company [in Persian].

44. *Wall Street Journal* (2014), "China to Increase Loans to Africa by \$10 Billion," *Wall Street Journal*, May 5, 2014.

